

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

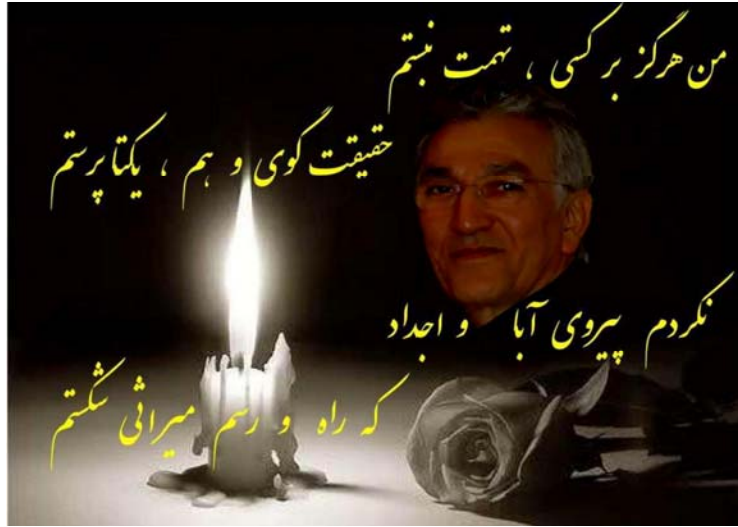
afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

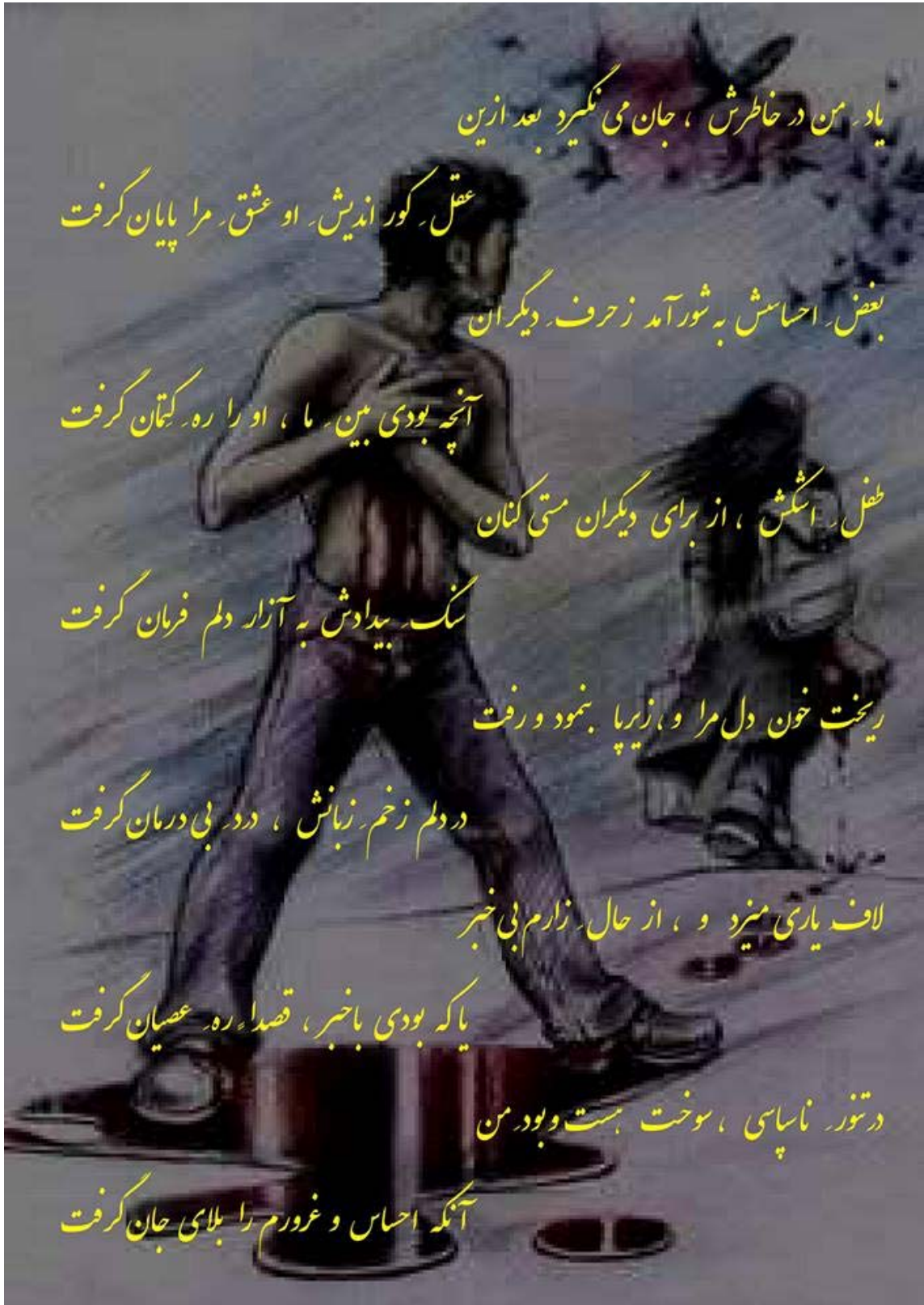
۱۳ جنوری ۲۰۲۱



بلای جان

عقل کور اندیش او عشق مرا پایان گرفت
آنچه بودی بین ما، از او ره کتمان گرفت
سنگ بیدانش به آزار دلم فرمان گرفت
در دلم زخم زبانش، درد بی درمان گرفت
یا که بودی باخبر، قصداً ره عصیان گرفت
آنکه احساس و غرورم را بلای جان گرفت

یاد من در خاطرش، جان می نگیرد بعد ازین
بُغض احساسش به شور آمد ز حرف دیگران
طفل اشکش از برای دیگران مستی کنان
ریخت خون دل مرا و زیر پا بنمود و رفت
لاف یاری میزد و از حال زارم، بی خبر
در تنور ناسپاسی سوخت هست و بود من



یاد من در خاطرش ، جان می نگیرد بعد ازین

عقل کور اندیش او عشق مرا پایان گرفت

بغض احساس به شور آمد ز حرف دیگران

آنچه بودی بین ما ، او را ره کتمان گرفت

طفل انگش ، از برای دیگران مستی کنان

سنگ پیدایش به آزار دلم فرمان گرفت

ریخت خون دل مرا و ، زیرا بنمود و رفت

دو دم زخم زبانش ، دور بی درمان گرفت

لاف یاری میزد و ، از حال زارم بی خبر

یا که بودی باخبر ، قصدا ره عصیان گرفت

دستور ناسپاسی ، سوخت هست و بود من

آنکه احساس و غرورم را بلای جان گرفت